

A Comparative Study of the Relationship Between Political Construction and State with Economic Development; Iran, Japan, and South Korea 1860-2010

Ehsan Eilshahi 

Ph.D Student, Political Sciences, Islamic Azad University South Tehran Branch, Tehran, Iran

Seyed Ataollah Sinaee* 

Assistant Professor, Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Seyed Khodayar Mortazavi 

Assistant Professor, Political Sciences, Islamic Azad University South Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

Reviewing the history of Iran's development efforts in the past 150 years shows periods of accompanying, or being ahead and behind countries. Japan and South Korea have a clear position in this field. This research examines Iran's development situation in comparison with these two countries in historical periods (1860-1926 and 1963-2010), within the framework of North, Acemoglu, and Robinson's institutional model. This approach focuses on formal rules, procedures, and organizations to explain the relationship between institutional structures and the success or failure of policies. The main question in this research is that despite the creation of political structure in Iran in the 19th century, compared to the experiences of Japan in the second half of the 19th century and South Korea in the early 20th century, why did the development program in Iran not go well and comprehensive political and economic institutional arrangements were not achieved? The obtained results show that the alignment of the government and the developing nation in Iran has not been successful due to the lack of institutional development.


Keywords: Political Construction and State, Economic Development, Iran, Japan, South Korea.

* Corresponding Author: Sinaee@pnu.ac.ir


How to Cite: Eilshahi, E., Sinaee, S. A., Mortazavi, S. Kh, (2023), "A Comparative Study of the Relationship Between Political Construction and State with Economic Development; Iran, Japan, and South Korea 1860-2010", *Political Strategic Studies*, 11(43), 9-43. doi: 10.22054/QPSS.2022.69339.3093.

بررسی تطبیقی رابطه ساخت سیاسی و دولت با توسعه اقتصادی؛ ایران، ژاپن و کره جنوبی ۲۰۱۰-۱۸۶۰


دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احسان ایلشاهی 

استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سید عطاله سینائی* 

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران

سیدخدا یار مرتضوی 

چکیده

مرور تاریخ تکاپوی توسعه ایران در بیش از ۱۵۰ سال گذشته نشان دهنده دوره‌هایی از همراهی یا پیش و پس بودن از کشورهاست. ژاپن و کره جنوبی در این زمینه جایگاه مشخصی دارند. در این پژوهش تلاش می‌شود وضعیت توسعه در ایران را در مقایسه با دو کشور مذکور در مقاطع تاریخی (۱۹۲۶-۱۸۶۰ و ۲۰۱۰-۱۹۶۳) در چارچوب مدل نهادی نورث، عجم اوغلو و رابینسون مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش، نهادگرایی تطبیقی است. این رهیافت بر قواعد، رویه‌ها و سازمان‌های رسمی تمرکز دارد که با استفاده از تکنیک‌های تاریخ‌دانان و حقوق‌دانان به توضیح رابطه میان ساختارهای نهادی و موفقیت یا شکست سیاست‌ها می‌پردازد. پرسش اصلی این است که علی‌رغم ایجاد ساخت سیاسی در ایران در قرن نوزدهم در مقایسه با تجارب ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم و کره جنوبی در اوایل قرن بیستم، چرا برنامه توسعه در ایران خوب پیش نرفته و ترتیبات نهادی سیاسی و اقتصادی فراگیر حاصل نشده است؟ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که به دلیل عدم تکامل نهادی زمینه‌های همسویی دولت و ملت، توسعه در ایران در مقایسه با دو کشور مذکور بصورت موفقیت‌آمیزی فراهم نشد. واژگان کلیدی: ساخت سیاسی و دولت، توسعه اقتصادی، ایران، ژاپن، کره جنوبی.

مقدمه

جوامعی که توسعه یافته شدند، با گذر از مسیر سیاست‌های توسعه‌گرا به توسعه اقتصادی دست یافته‌اند. این امر بیانگر آن است که سیاست‌ها از جمله سیاست‌های اقتصادی، زیربنای اصلی فرایند توسعه هستند. سرعت و دامنه تغییرات توسعه اقتصادی در طول ۱۵۰ سال گذشته در تعدادی از کشورها بسیار زیاد و حتی در برخی موارد غیرمنتظره بوده است. شناسایی عملکرد و روابط میان نهادهای اصلی اثرگذار در یک کشور در میزان توسعه و پیشرفت آن حائز اهمیت است. مقایسه توسعه ایران با ژاپن و کره جنوبی و اینکه چگونه کشورهای آسیای شرقی مذکور بسرعت و در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه توانستند نسبت به ایران راه توسعه و ترقی را پیش بگیرند، موضوعی بوده است که توسط اندیشمندان و تحلیلگران حوزه سیاست و توسعه مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته شده است. اولین کاری که کشورهای ژاپن و کره جنوبی انجام دادند این بود که علی‌رغم احترام و حفظ سنت گذشته خود توانستند بر این موضوع غلبه کنند و راه توسعه و مدرنیته شدن را پیش بگیرند اما در ایران به علت تداوم نگرش‌های فرهنگ سنتی در میان مردم و نخبگان سیاسی، امر توسعه آنچنان که باید در مقایسه با ژاپن و کره جنوبی پیش نرفت و با سرعت بسیار کمتری انجام شد و برای رسیدن به مدرنیته، موضوع آزادی و مشروطه مطرح شد. ژاپن و کره جنوبی برای توسعه، یک قرارداد اجتماعی بر اساس مدل‌های بومی خود طراحی کردند، فلذا برای اینکه ایران بتواند پیشرفت و در مسیر توسعه‌یافتگی گام بردارد، همچون ژاپن و کره جنوبی نیاز به یک برنامه منسجم و بهینه دارد. وجه تمایز این مقاله نسبت به سایر موارد در این است که سعی شده تا بطور خاص به بررسی تحولات و ترتیبات نهادی در کشورهای مورد مطالعه پردازد و از توجه به تحولات تاریخی حتی‌الامکان اجتناب کند. پرسش این است که تفاوت‌های اساسی ایران با کشورهای ژاپن و کره جنوبی در امر توسعه اقتصادی و نوسازی چیست؟ و چرا علی‌رغم اینکه ایران سال‌ها پیش از ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم (دوران ناصری) و نیز کره - جنوبی در نیمه اول قرن بیستم (پهلوی دوم) سیاست‌های توسعه‌گرا در پیش گرفت، در این امر موفق نبود؟ هدف اصلی این نوشتار، واکاوی و ریشه‌یابی تفاوت در نهادها و ساختارهای سیاسی - اقتصادی و روابط میان فرادستان و فرودستان (دولت - ملت) در کشورهای ژاپن و کره جنوبی در مقایسه با ایران می‌باشد.

چارچوب نظری

برای اینکه اقتصاد یک کشور در مسیر پیشرفت قرار گیرد، ابتدا باید نهادهای سیاسی آن کارآمد شوند و با برنامه‌ریزی صحیح و انجام اصلاحات لازم، راه توسعه اقتصادی گشوده شود. در واقع توسعه بیش از آنکه یک فرایند اقتصادی باشد اساساً ماهیتی سیاسی دارد. چارچوب نظری این پژوهش گروهی از نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی توسعه را مبنا قرار می‌دهد که به طیف نهادگرا شهرت دارند و بر تفاوت‌های چشمگیر تجارب تاریخی ملت‌ها در گذار به توسعه تأکید دارند. نظریات *داگلاس نورث*، *دارون عجم‌اغلو* و *جیمز رابینسون* که نظریات آنان چارچوب تئوریک این پژوهش را می‌سازد در این گروه قرار دارند. نورث، عجم‌اغلو و رابینسون با تکیه بر بستر نهادگرایی به بررسی عوامل موفقیت و عدم کامیابی دولت‌ها در این مسیر پرداخته‌اند. نورث در کتاب *خشونت و نظم‌های اجتماعی*، با بررسی مسئله خشونت و انواع نظم‌های اجتماعی رهبری جامعه به سوی موفقیت را ملزم به گذار جوامع از شرایط موجود به یک وضع مساعدتر اشاره داشته است. نورث، نظم‌های اجتماعی را بطور کلی به سه دسته تقسیم بندی می‌کند:

- نظم خوراک جویی: جوامع شکار و گردآورنده خوراک؛
- نظم دسترسی محدود یا حکومت طبیعی: بررسی جایگاه شخصی و روابط بین افراد قدرتمند؛
- نظم دسترسی باز: با انقلاب اجتماعی دوم پدیدار شد که به دسته‌بندی غیرشخصی افراد که اغلب شهروند نامیده می‌شوند، در عرصه‌های گسترده رفتار اجتماعی به تعامل می‌پردازند (نورث، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۹).

در واقع جوامع با نظم دسترسی محدود به آن گروه از کشورها اطلاق می‌شود که دارای نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محدود و مبتنی بر رانت هستند و فرادستان جامعه از رانت‌های موجود به نفع خود بهره می‌برند و اجازه ترقی و پیشرفت را به سایر افراد نمی‌دهند. در مقابل، کشورهای دارای نظام دسترسی باز به آنهایی اطلاق می‌شود که دسترسی به سازمان‌های اجتماعی و سایر سازمان‌ها و نهادهای موجود در جامعه برای تمامی افراد که بعنوان شهروندان جامعه محسوب می‌شوند آزاد باشد. حکومت دسترسی محدود به شکننده، پایه و بالغ تقسیم‌بندی می‌شود. برای اینکه توسعه و رشد واقعی در کشوری محقق گردد، نهادهای سیاسی و اقتصادی آن کشور باید از وضعیت نظم

دسترسی محدود به نظم دسترسی باز عبور کنند. تمایل طبیعی گروه‌های قدرتمند هنگام رویارویی با نااطمینانی و وضعیت‌های بدیع، تحکیم امتیازات است نه اینکه امتیازات گسترش یابند تا فرادستان بیشتری را دربرگیرند. گذار واقعی فرایندی است که فرادستان دسترسی به درون ائتلاف مسلط را باز کرده، تضمین می‌کنند که از طریق تغییرات نهادی دسترسی باز می‌شود و سپس شروع به گسترش دادن دسترسی به حقوق شهروندی به بخش بیشتری از جمعیت می‌کنند (نورث، ۱۳۹۵: ۲۹۹).

از سوی دیگر عجم اغلو و رایینسون در آثار خود ضمن تلفیق نظریه‌های جامعه-شناختی، علوم سیاسی و اقتصادی تلاش می‌کنند تا مدلی برای توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها ارائه دهند. نویسندگان با تشبیه دولت به لویاتان و تقسیم‌بندی آن به صورت ذیل، معتقدند برای اینکه کشوری بخواهد مسیر رشد و توسعه خود را پیدا کند باید در آن کشور دموکراسی برقرار و نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر با بهره‌گیری از تخریب خلاق ایجاد گردد.

- ✓ مستبد: قدرت حکومت و فرادستان در مقایسه با قدرت جامعه بیشتر است؛
- ✓ مقید: میان قدرت حکومت و ظرفیت جامعه برای مهار آن توازن شکل بگیرد و این نوع دولت می‌تواند به حل و فصل عادلانه مرافعات پردازد و جلوی سلطه را بگیرد؛
- ✓ غائب: حکومت اساساً وجود ندارد و کشور غرق در هرج و مرج است؛
- ✓ کاغذی: در چنین حکومت‌هایی هم مردم و هم سیستم سیاسی هر دو ضعیف هستند و دولت عمده‌تلاً تلاش نمی‌کند تا مردم را از مشکلات برهانند چراکه ممکن است به شکل‌گیری بسیج اجتماعی و در نتیجه جلوگیری از غارت کشور توسط حکومت بینجامد (عجم اوغلو و رایینسون، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۲).

از منظر عجم/اوغلو و رایینسون نهادها تعیین‌کننده هستند و به دو گونه اصلی و با تاثیرات کاملاً متفاوت تقسیم می‌شوند: نهادهای غیرفراگیر (بهره‌کش) و نهادهای فراگیر (عجم اوغلو و رایینسون، ۱۳۹۲: ۱۷). عجم اوغلو و رایینسون در آثار مشترک خود نیز در مورد نابرابری‌های موجود در یک کشور و اینکه چگونه نهادهای اقتصادی و سیاسی در ایجاد فقر و ثروت به تعامل می‌پردازند به پژوهش پرداختند و در نهایت به این نتیجه رسیدند با وجود اینکه برخی کشورها از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی به همدیگر نزدیک هستند اما از لحاظ شاخصه‌های توسعه فاصله زیادی از یکدیگر دارند. بنابراین دولت‌ها

زمانی شکست می‌خورند که دارای نهادهای اقتصادی غیرفراگیر پشتیبانی شده از سوی نهادهای سیاسی غیرفراگیر هستند؛ زیرا این نهادها رشد اقتصادی‌شان را کند و گاه مسدود می‌کنند (عجم‌اغلو و راینسون، ۱۳۹۲: ۳۲۱). در این پژوهش با ترکیب نظریه نورث، عجم‌اغلو و راینسون نشان داده می‌شود که علت‌العلل تفاوت میان کشورهای توسعه‌یافته ژاپن و کره جنوبی با ایران در تمایزات نهادی و ساخت سیاسی دولت نهفته است که از گذشتگان خود به ارث برده‌اند. در ادامه از مولفه‌های عجم‌اغلو و راینسون که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است برای بررسی و مقایسه توسعه و نوسازی ایران با کشورهای ژاپن و کره جنوبی در دوره زمانی ۱۸۶۰-۲۰۱۰ میلادی استفاده می‌شود.

شکل ۱- مدل توسعه‌یافتگی



پیشینه پژوهش

نویسندگان زیادی به پژوهش در زمینه توسعه و نهادگرایی پرداخته‌اند و کتب و مقالات متعددی در این راستا منتشر شده است اما با وجود اینکه پژوهش‌هایی در مورد توسعه و پیشرفت کشورهای چون ایران، ژاپن و کره جنوبی انجام شده است، در اکثر آن‌ها به توصیف نوسازی در کشورهای مذکور پرداخته بودند و از مدل نظام‌مند و منسجمی برخوردار نبودند. در حالیکه برخی از پژوهش‌ها از جمله (مطیع، ۱۳۷۹) و (حکمی، ۱۳۷۰) نقش نخبگان و (مسعودی، ۱۳۹۴) موضوع سیاستگذاری در توسعه صنعت و فناوری را مورد بررسی قرار داده‌اند، در این مقاله مؤلفه‌های مربوط به توسعه و تحولات اقتصادی بررسی و ترجیحاً از توصیف موارد مربوط به تحولات تاریخی و اجتماعی (حقیقی، ۱۳۸۴) اجتناب می‌شود. از دیگر تمایزات این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها در این است که در اغلب آن‌ها به موضوع برنامه توسعه اقتصادی ژاپن اشاره‌ای نشده بود اما در این مقاله به صورت مبسوط به این موضوع اشاره و تحولات و ترتیبات نهادی اتخاذ شده مورد بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر برخی از نگارش‌ها چون (عطار، ۱۳۸۸)، (نقیب‌زاده، ۱۳۹۳) به بررسی موضوع توسعه اقتصادی بصورت خاص در حوزه ژاپن و یا کره جنوبی پرداخته بودند اما در این پژوهش سه کشور جهت مطالعه بهتر انتخاب گردیده است. بعلاوه می‌توان به بررسی وضعیت توسعه اقتصادی در ایران از نیمه دوم قرن نوزدهم تا زمان معاصر را اشاره کرد که در نوبه خود کار نوینی است، چراکه سایر نویسندگان تنها به دوره‌های خاصی اشاره داشته‌اند اما در این مقاله به بررسی وضعیت اقتصادی در چهار دوره تاریخی (دوره قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی) پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

رشته علوم سیاسی نیز دارای انواع روش تحقیق است و یکی از روش‌هایی که این پژوهش بر مبنای آن انجام شده است، روش مقایسه‌ای می‌باشد. مقایسه میان کشورها از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده و اکشتاین هم معتقد است مطالعات مقایسه‌ای در نیمه نخست قرن بیستم نوعاً بر نهادهای دولت متمرکز بودند (Eckstein, 1963: 3-32). روش مقایسه‌ای از سه جهت دارای اهمیت است. اول آنکه آگاهی محقق را از

کشورهای مختلف افزایش می‌دهد. دوم آنکه روش مقایسه‌ای محقق را از تعمیمات بیجا باز می‌دارد و در نهایت عبرت‌آموزی از تجارب دیگران نیز سومین مورد مهم است که با استفاده از روش مقایسه‌ای می‌توان به آن دست یافت (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۹). پژوهش پیش‌رو با تکیه بر رهیافت نهادگرایی تطبیقی به واکاوی توسعه اقتصادی در سه کشور ایران، ژاپن و کره جنوبی می‌پردازد. از دلایل انتخاب این سه کشور برای مطالعه این است که ایران، ژاپن و کره جنوبی به دلایل مختلفی از جمله ضعف نیروها و طبقات نوساز در جامعه ماقبل سرمایه‌داری، برای رسیدن به توسعه و نوسازی دست به انقلاب از بالا زدند. برخلاف ایران، ژاپن و کره جنوبی در این امر موفق شدند و توانستند با ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر و توزیع رانت مولد و حمایت همه‌جانبه، از شرایط فتودالی عبور کنند و وارد نظام سرمایه‌داری و شرایط توسعه‌یافتگی شوند اما ایران با وجود نهادهای پدرسالارانه و ادامه آن به دوره‌های بعدی نتوانست بر این موضوع غلبه کند و فقط فراز و نشیب‌هایی موقتی را در این راه تجربه کرد. رهیافت نهادی موضوع مطالعه‌ای است که قواعد، رویه‌ها و سازمان‌های رسمی حکومت را دربرمی‌گیرد (مارش و استوکر، ۱۳۹۹: ۷۶).

نورث در تحلیل نهادگرایی معتقد است که نهاد با سازمان متفاوت است و نهاد دربرگیرنده قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی رفتار و باورهای مشترکی هستند که افراد درباره جهان دارند و سازمان متشکل از گروه‌های خاصی از افراد است که از طریق رفتار نسبتاً هماهنگ، ترکیبی از اهداف فردی مشترک را دنبال می‌کنند (نورث، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۸). دلایل اینکه دوره زمانی پژوهش از سال ۲۰۱۰-۱۸۶۰ میلادی در نظر گرفته شده این است که جرقه توسعه در ایران از زمان عباس میرزا در قرن نوزده زده شد و این روند در زمان صدرات امیرکبیر به اوج خود رسید و با قتل وی برای مدت طولانی به فراموشی سپرده شد. اما این در حالی است که این روند در ژاپن بیش از یک دهه بعد از ایران بصورت رسمی با رهبری امپراتور میجی شروع و ادامه پیدا می‌کند. از دیگر همزمانی‌های تاریخ توسعه در ایران به دوران پهلوی دوم بازمی‌گردد که تقریباً مقارن با به قدرت رسیدن ژنرال پارک در کره جنوبی در ۱۳۴۱/۱۹۶۳ است. لازم بذکر است که بخش دیگر فرایند توسعه ایران به دوران بعد از انقلاب اسلامی یعنی شروع دولت سازندگی بازمی‌گردد. در این پژوهش تلاش می‌شود با بررسی چند

شاخص توسعه اقتصادی که در قسمت تحلیل یافته‌ها به آن اشاره خواهد شد به واکاوی علت موفقیت ژاپن و کره جنوبی و از سوی دیگر عدم کامیابی ایران در این فرایند پرداخته شود.

تحولات و ترتیبات نهادی در ژاپن

شروع فرایند توسعه ژاپن، یکبار در نیمه دوم قرن نوزدهم همزمان با به رهبری رسیدن امپراتور میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) و بار دوم بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) در قرن بیستم اتفاق افتاده است. قانون اساسی میجی در مسیر نهادسازی دولت بود. عرق و غرور ملی، فرهنگ کار و توسعه، ساختار مدیریتی کارآمد، میل به پس‌انداز بالا، وجدان کاری، همبستگی اجتماعی، ترجیح منافع جمع به فرد، تسلیم‌ناپذیری در مقابل اجنبی و احترام به قوانین از مهمترین عوامل توسعه و اقتدار ژاپن می‌باشد. برنامه‌های میجی در جهت توسعه در تضاد و کشمکش با نیروهای اجتماعی نبود. نیروهای اجتماعی نظیر روشنفکران دینی و سیاسی، سامورایی، ملاکین، تجار و صنعتگران و غیره بجای مقابله با اهداف دولت، در کنار مردان میجی بودند (حاجی ناصری و جباری، ۱۳۹۹: ۸۰). میجی توسعه اقتصادی زمان خود را تا حد زیادی مدیون صلح و آرامش ایجاد شده از زمان توکوگاوا می‌باشد. در دوره میجی رهبران ژاپن تنها راه تحقق قدرت ملی و تامین امنیت ژاپن را در تقویت بنیه اقتصادی یافتند و چهار اقدام اساسی انجام دادند:

✓ ایجاد زیربنای ساخت و ارتباطات؛

✓ تحول و گسترش آموزش؛

✓ وضع قوانین مناسب؛

✓ رفع محدودیت‌های موجود در بخش‌های مختلف (حقیقی، ۱۳۸۴: ۳۳۲).

میجی تمام نهادها و سازمان‌های مانع بر سر راه را برای رسیدن به یک توسعه صنعتی و اقتصادی از بین برد. میجی از همان ابتدا متوجه شده بود که مهمترین راه پیشرفت کشور از مسیر صادرات می‌گذرد. لذا برای تسهیل این امر مهم در سال ۱۸۸۱ اقدام به احداث خطوط راه‌آهن نمود. بعد از آن در سال ۱۸۸۸ پیش‌نویس قانون اساسی را بر مبنای قانون اساسی کشورهای اروپایی از جمله آلمان، فرانسه، ایتالیا تهیه و تدوین

نمود. دولت میجی اولویت را به صنایع راهبردی داد. شرکت‌های بزرگ خوشه‌ای (زای‌باتسوها) توسط بخش خصوصی و با حمایت‌های دولت شکل گرفت و در همه بخش‌های اقتصاد با اقتدار شروع به فعالیت کردند (حقیقی، ۱۳۸۴: ۳۳۶).
اونو سه ویژگی برای صنعتی‌سازی ژاپن در دوره میجی بر شمرده است که به شرح ذیل عبارتند از:

- ✓ طرح ایجاد بخش خصوصی بسیار قدرتمند با حمایت و کمک‌های رسمی مناسب؛
- ✓ اجرای موفقیت‌آمیز سیاست جایگزینی واردات در صنعت؛
- ✓ توسعه موازی بخش مدرن و بخش بومی (Ohno, 2005: 72).

جنگ جهانی اول موجب افزایش تقاضا برای صنایع نظامی و صنایع سنگین گردید که این امر موجب ایجاد جهشی عظیم در اقتصاد صنعتی ژاپن شد. در جنگ جهانی دوم ماجرا به گونه‌ای دیگر رقم خورد و در آن زمان ژاپن، خود با متفقین وارد جنگ شده بود. با تخریب زیرساخت‌ها و تسلیم ژاپن در ۱۹۴۵، این کشور اقدام به جهت‌گیری از ایجاد هرج و مرج و ادغام سیاست‌های بازسازی سریعاً اقدام به تاسیس ستاد تثبیت اقتصادی^۱ در سال ۱۹۴۶ نمود. از آنجاییکه اقتصاد ژاپن شدیداً تحت حمایت و کنترل دولت در عرصه داخلی کشور و بازارهای جهانی بود، این نقش مهم به عهده وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی بین‌المللی ژاپن^۲ واگذار گردید. وزارتخانه می-تی در سال ۱۸۸۱ با عنوان «وزارت کشاورزی و تجارت» تاسیس و در سال ۱۹۲۵ به نام «وزارت صنعت و تجارت»، در ۱۹۴۹ به «وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی» تغییر نام داد و در نهایت از سال ۲۰۰۰ به بعد به دنبال برخی اصلاحات سازمانی به وزارت صنایع و اقتصاد تغییر نام داد (عباسی، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۱۸). وزارت دارایی نیز بعنوان یکی از بازوهای اصلی دولت در کنار وزارتخانه‌های مذکور نقش برجسته‌ای را هم در دوران بازسازی اقتصادی ایفا نمود و هم در حال حاضر دارا می‌باشد. پیش شرط توسعه یافتن، صنعتی شدن است و بدون صنعتی شدن توسعه اصیل و حقیقی تحقق پیدا نمی‌کند (Kitching, 2014: 6). با گذشت زمان و کم شدن شرایط حاد دوره جنگی، ژاپن با تاسیس سازمان برنامه اقتصادی^۳ در سال ۱۹۵۵، سعی نمود با نوشتن انواع برنامه‌های

1. Economic Stability Board
2. Ministry of Int'l Trade and Industry (MITI)
3. Economic Planning Agency (EPA)

اقتصادی، تهدیدات را به فرصت و از آن‌ها در جهت تحقق برنامه‌های توسعه استفاده نماید. در این میان نیز نقش آفرینی بانک ژاپن در طول ادوار گذشته و بویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی بسیار مثال‌زدنی است. بانک ژاپن بر موجودی پول بانک‌های تجاری و عملیات بانکی آنها نظارت شدیدی اعمال می‌کرد. این روش موجب شد تا از یک طرف، تامین سرمایه مورد نیاز شرکت‌ها امکان‌پذیر شود و از یک طرف، دولت ژاپن نقش حساس و مهمی در نظارت و هدایت نحوه رشد اقتصادی کشور داشته باشد (عطار، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

میل به پس‌انداز زیاد در میان اقشار ژاپنی، عاملی شد تا نظام اقتصادی ژاپن بر مبنای آن ساخته شود و بانک ژاپن از این موضوع استفاده کرد و با ارائه وام به بخش‌های مورد نظر به حمایت از آنها پرداخت. از این‌رو بسیاری از صاحب‌نظران از جمله لازونیک و لاک وود معتقدند نظام سرمایه‌داری ژاپن، سرمایه جمعی است. لاک وود سرمایه‌داری ژاپن را سرمایه‌داری جدید می‌نامد که در آن روابط شخصی پر دامنه و گسترده‌ای میان تولیدکنندگان، بازرگانان و رهبران سیاسی وجود دارد (Lockwood, 1970: 659-660). وایت نیز از سوی دیگر معتقد است که شکل خاصی از نظام کورپوراتیسم در ژاپن وجود دارد که توسعه‌گرا است. به این معنا که عهد و پیمان خاصی میان نظام اداری، یک حزب سیاسی مسلط و شرکت‌های بزرگ تولیدی و تجاری برقرار شده است (White, 1998: 41). ژاپن بعد از بنیانگذاری نهادهای سیاسی و اقتصادی مهم، از میانه دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی با طرح‌ریزی برنامه‌های توسعه ۵ ساله، خیزش چشمگیری در امور اقتصادی خود حاصل نمود. برنامه‌هایی که بسته به تحولات اقتصادی و خط‌مشی‌های کشور متغیر بوده است. علی‌رغم هدفگذاری ۵ ساله، این برنامه‌ها در بازه زمانی ۲ الی ۳ ساله به نتیجه می‌رسیدند. در جدول ذیل به شرح برنامه‌های مذکور می‌پردازیم:

جدول ۱- برنامه‌های توسعه اقتصادی ژاپن

دوره توسعه	هدف برنامه
۱۹۶۰-۱۹۵۶ (طرح خودکفایی)	برقراری موازنه مالی برای جبران خسارت‌های ناشی از جنگ کره- افزایش و استفاده از نیروهای کار
۱۹۶۲-۱۹۵۸ (طرح اقتصادی بلندمدت جدید)	افزایش اشتغال در کشاورزی و کسب و کارهای کوچک- از بین بردن گلوگاه‌های اقتصادی و افزایش ثابت بخش‌های پایه از جمله حمل و نقل و انرژی- اجتناب از نوسانات اقتصادی
۱۹۷۰-۱۹۶۱ (طرح دوبرابر کردن درآمد ملی)	ایجاد زیرساخت لازم، بهبود امنیت و رفاه اجتماعی- توسعه منابع انسانی فراگیر- آموزش‌های شغلی- عدم تمرکز بر روی وضعیت متوسط اقتصاد خرد، برطرف نمودن نابرابری‌های میان مردم- توجه به توسعه‌های منطقه‌ای
۱۹۶۸-۱۹۶۴ (طرح اقتصادی میان-مدت)	سرعت دادن به توسعه اجتماعی نسبت به توسعه اقتصادی
۱۹۷۱-۱۹۶۷ (طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی)	اختصاص بهینه نیروی کار و سرمایه برای بهبود رقابت - تثبیت قیمت‌ها - دستیابی به رفاه اجتماعی، تقویت امنیت اجتماعی، بهبود آموزش
۱۹۷۵-۱۹۷۰ (طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی جدید)	برطرف نمودن موضوعات مربوط به ارز بین‌المللی- افزایش شبکه‌های ارتباطی و سرعت بالا- نیاز مبرم به افزایش کیفیت نیروی کار

منبع: Yoshioka, 2016

قبل از برنامه اول، هدف اصلی برای فرموله کردن سیاست اقتصادی کشور بر مبنای تجمیع و انباشت کالای شخصی و خدمات در سطح اقتصاد خرد بود. اما برنامه اول با هدف تمرکز بر روی تولیدسرانه خالص ملی و تولید ناخالص ملی ارائه گردید. این تغییر ناگهانی در ایجاد روش برای موضوعات اقتصادی کشور، یکی از دلایلی بود که این برنامه بعنوان یک برنامه تمام عیار اقتصادی شناخته شد. از مهمترین اهداف دنبال شده در این طرح می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- افزایش و تقویت پایه‌های صنعتی، ۲- ترویج تجارت بین‌الملل، ۳- بهبود نرخ خودکفایی و کاهش هزینه‌های ارز خارجی، ۴- تشویق به توسعه و حفظ اراضی ملی، ۵- ایجاد انگیزش برای تحقیق در موضوعات علمی و فناوری‌ها نوین، ۶- توسعه کسب و کارهای کوچک، ۷- افزایش اشتغال و ایجاد سیستم امنیت اجتماعی، ۸- پایبندی به بودجه متوازن و عادی‌سازی شرایط مالی، ۹- تثبیت قیمت‌ها، ۱۰- تثبیت زندگی ملی و صرفه‌جویی در مصرف

(Yoshioka, 2016: 14). بنا به گزارش سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی ژاپن، اجرای برنامه اول موجب افزایش درآمد ملی به میزان ۱۳.۹٪ گردید. در طرح سوم توسعه، افزایش نرخ رشد ۹ درصدی برای ۳ سال اول و ۷/۲ درصد برای ۷ سال بعدی تعیین گردید. یکی از مهمترین نکات قابل توجه طرح دو برابر کردن درآمد ملی شامل یک استراتژی جامع برای نوسازی صنعت و کشاورزی ژاپن بود. در طرح اقتصادی میان مدت رهبران و نخبگان ژاپنی تصمیم گرفتند تا با توجه به توسعه اجتماعی به موازات پیشرفت‌های اقتصادی، جان تازه‌ای به برنامه‌های خود بدهند. یکی از دلایلی که به یک طرح جدید بعد از طرح میان مدت احساس شده این بود که تفاوت نرخ تورم واقعی و برنامه‌ریزی شده در آن دوران یکسان نبود. بر مبنای مطالعات و نظرسنجی‌هایی که توسط سازمان ملل پیرامون توسعه اجتماعی صورت گرفت، ده مورد که در میان سایر کشورها انجام شده بود نتیجه‌گیری شد بطور کلی عبارتند از: طرح سلامت، طرح تغذیه، طرح محیط زیست و مسکن، طرح حمایت از مشتری، طرح آموزش، طرح نیروی کار، طرح امنیت اجتماعی، طرح اسکان مجدد و بیمه اجتماعی، طرح کشاورزی و طرح پشتیبانی و حمایت از پناهندگان (Yoshioka, 2016: 20). ژاپن با این طرح تصمیم گرفته بود تا خلاء و بعضاً شکاف‌های اجتماعی برای یک کشور توسعه یافته‌ای همچون ژاپن که به درآمد ناخالص قابل توجهی رسیده بود را از بین ببرد. طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی جدید نیز بر روی زندگی ملی و سیاست‌گذاری برای رسیدن به ۸ درصد رشد اقتصادی و ۳ درصد تورم تنظیم شده بود. ژاپن با اعمال چنین برنامه‌هایی توانست خیلی سریع در بازه زمانی ۱۹۵۰-۱۹۷۰ رشد قابل توجهی داشته باشد و به رتبه دوم بعد از آمریکا در سطح جهان از نظر میزان درآمد ناخالص ملی دست یابد. با برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه که منجر به قدرتمند شدن ژاپن در عرصه اقتصادی گردید، وزارت خارجه نیز به جمع وزارتخانه‌های مذکور اضافه گردید تا در ایجاد فرصت‌های اقتصادی با سایر کشورها هماهنگی لازم را انجام دهد و پل اقتصادی ایجاد نماید. ژاپن با ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر توانست برابندی از انگیزش همچون تحصیل، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و از همه مهمتر انگیزه ابداع را شکل دهد و با ایجاد یک وفاق اجتماعی و با توزیع رانت‌های دولتی مولد و غیرشخصی‌سازی روابط با گذشت زمان از نظم دسترسی محدود، گذر و به نظم دسترسی باز برسد. همچنین با

اتخاذ یک دیپلماسی صلح‌جویانه با عقد قراردادهای دوجانبه و بعضاً چندجانبه با تکیه بر نقاط قوت و برطرف نمودن ضعف‌های خود، سیاست تشویق و حمایت از صنایع داخلی همچون برق، فولاد، کشتی‌سازی، خودرو، زغال‌سنگ را چاشنی کار خود ساخت و از این طریق روح تازه‌ای به اقتصاد خود دمید.

تحولات و ترتیبات نهادی در کره جنوبی

پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم توسط آمریکا و روسیه، استعمار ۳۶ ساله جمهوری کره در سال ۱۹۴۵ پایان و در سال ۱۹۴۸ جمهوری کره رسماً موجودیت یافت. سینگمان ری^۱ بعنوان نخستین رئیس جمهور با حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا، ۱۴ سال در مسند قدرت قرار گرفت و به دلیل سیاست‌های مقتدارانه، سرکوبگرانه و ماهیت فسادآلود دولت وی به دلیل توزیع رانت‌های بیشمار به سرمایه‌داران و عدم بهره‌وری از رانت‌های اهدا شده در چرخه اقتصادی، با خیل عظیمی از اعتراضات مواجه گردید. از این‌رو در سال ۱۹۶۰ مجبور به استعفا و ترک قدرت شد. بعد از ری، چانگ میون^۲، رهبر دولت لیبرال، برای مدت کوتاهی قدرت را بدست گرفت. اما به دلیل مواجه شدن با بحران‌های شدید و متزلزل سیاسی، ژنرال پارک چونگ هی^۳ در سال ۱۹۶۱ با کودتا علیه دولت میون، قدرت را بدست گرفت و حاکم بلامنزاعه کشور شد. ژنرال پارک که خود برای مدتی در ارتش ژاپن خدمت کرده بود، الگوی عصر میجی را محور اصلی توسعه کار خود قرار داد. دوران ۱۸ ساله حکومت وی، رشد اقتصادی بسیار چشمگیری را برای کشورش به همراه داشت که در ازای محدودیت آزادی‌های مدنی و سرکوب فعالیت‌های سیاسی دگراندیشان بدست آمد.

ژنرال پارک برای آنکه بتواند مسیر صحیحی در توسعه کشور بردارد، به تاسیس هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی کره جنوبی^۴ در سال ۱۹۶۱ اقدام کرد. عملکرد این هیئت امور مختلفی نظیر برنامه‌ریزی، بودجه، تهیه منابع، هماهنگی، همکاری خارجی، تحقیق و آمار را در برمی‌گرفت (Kim & Jeong, 2017). این نهاد با کنترل و ایجاد

-
1. Syngman Rhee
 2. Chang Myon
 3. Park Chung-Hee
 4. Economic Planning Board (EPB)

هماهنگی میان وزارتخانه‌های اقتصادی توانست همه زیرساخت‌های اقتصادی را در جهت توسعه بسیج نماید. ژنرال پارک از فرصت بوجود آمده استفاده کرد و با پیشنهاد ۷ برنامه در قالب طرح توسعه اقتصادی، کشور را به سمت و سوی توسعه‌یافتگی و مدرن شدن هدایت نمود. پارک متوجه شده بود که بدون ارتباط با سرمایه‌داران، این مسیر مهم نیز محقق نخواهد نشد. از این حیث برای ایجاد تحولات صنعتی و اقتصادی، دولت خود را به چابول‌ها^۱ متکی ساخت، هرچند این ارتباط از موضع بالا به پایین بود. چابول‌ها، ساختار تجاری هستند که شرکت‌های چندملیتی را با هدف انجام عملیات بین‌المللی عظیم ایجاد کرده‌اند. سامسونگ، ال‌جی، هیوندا، دوو و گروه SK نمونه‌هایی از چابول‌ها هستند. دولت با ارائه وام‌های بانکی و حمایت همه‌جانبه از چابول‌ها، دستورات اقتصادی خود را به آنها دیکته می‌کرد. کمک‌های مالی اعطا شده ماهیت رانت گونه و غیرتوزیعی نداشت بلکه دولت پس از مرحله کوتاه و اولیه راهبرد صنعتی شدن مبتنی بر جایگزینی واردات در چارچوب راهبرد صنعتی شدن مبتنی بر صادرات؛ ضمن حمایت‌ها و دادن اعتبارات لازم، از شرکت‌ها تضمین می‌گرفت تا محصولات خود را به دیگر کشورها صادر کنند (Chibber, 2005: 239-40). همین امر موجب شد شرکت‌ها با حمایت دولت در جهت افزایش کیفیت تولیدات محصولات خود اقدام کنند و کیفیت را اولویت کار خود قرار دهند. دیوان‌سالاری قوی ایجاد شده توسط ژاپن در زمان استعمار موجب شد تا پارک از این موضوع در تقویت زیرساخت‌های صادراتی، مالیاتی، توسعه صنعتی و برنامه‌ریزی استفاده نماید. نکته بسیار مهم این است که در کره به دلیل ایجاد شبکه‌های کورپوراتیستی میان بخش خصوصی و دولتی و تاسیس سازمان‌های تحت کنترل غیر مستقیم دولت اقدام کرد (Doner & Ritchie, 2005: 344). دولت کره به منظور توسعه صنعتی و اقتصادی با شناسایی بخش‌های منحصر به فرد و ارائه کمک‌های دولتی و جلوگیری از رقابت شدید میان آنها، ادغام واحدهای کوچک صنعتی به شرکت‌های بزرگ اقتصادی، واردات ترجیحی بعضی از اقلام به دلیل کمبود منابع، تکیه بر تولیدمحوری در پنج حوزه استراتژیک شامل فولاد، پتروشیمی، خودرو، کشتی‌سازی و الکترونیک و در نهایت تکیه بر امر صادرات توانست طی چهار دهه به یکی از موفق‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای توسعه‌یافته تبدیل

گردد. دولت کره برای ترغیب سرمایه‌گذاری خصوصی و پشتیبانی از بخش‌های منتخب در این دوره تمهیداتی روشن و آگاهانه برگزید. این تمهیدات و تسهیلات عبارت بودند از: الف- وام‌های صادراتی با نرخ‌های بهره ترجیحی، ب- نرخ استهلاك تصاعدی، پ- صندوق‌های حمایت از تولید برای صادرکنندگان، ت- معافیت تعرفه‌ای و تخفیف‌های دولتی بابت واردات کالاهای سرمایه و کالاهایی که در داخل تولید نمی‌شود (Heo, 2001: 223-224). این شیوه حمایتی موجب شد تا توسعه و نوسازی کره از طریق یک مدل خلاقانه و مداخله مثبت دولت رقم زده شود. در این راستا نباید کمک‌های ژاپن و آمریکا پس از دوران جنگ را نیز نادیده گرفت. ژاپن در خلال جنگ جهانی اول، برخلاف سایر استعمارگران به صدور سرمایه به کره و رفع محدودیت تولیدات کارخانه‌ای در این کشور اقدام کرد و به سرمایه‌داران کره‌ای نیز امکان فعالیت داد (Kohli, 2005: 32-67). پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا نیز در قالب کمک به دولت‌های توسعه‌یافته از یک طرف امکان دسترسی با بازارهایش را برای ژاپن و کره فراهم آورد و در همان حال حداقل تا دهه ۱۹۷۰ راهبرد حمایت‌گرایی شدیدی را تحمیل کرد که این کشورها برای حمایت از اقتصاد داخلی‌شان اعمال نموده بودند (دلفروز، ۱۳۹۳: ۱۰۳۰).

تعامل‌پذیری بین‌المللی، فرهنگ سخت‌کوشی و انضباط، نگرش استراتژیک، ایجاد اجماع ملی، جلب اعتماد عمیق ملی توسط حاکمیت و همگام‌سازی ملت از جمله خصوصیات است که می‌توان برای کره‌ای‌ها برشمرد که در توسعه آن کشور بسیار دخیل بوده‌اند. برنامه‌های طرح توسعه اقتصادی صرفاً یکی از ابزارهایی بوده که منجر به پیشرفت و ترقی کره جنوبی گردیده است. جهت درک بهتر موضوع، در قالب جدول ذیل به شرح برنامه‌های توسعه می‌پردازیم:

جدول ۲- برنامه‌های توسعه اقتصادی کره جنوبی

دوره توسعه	هدف برنامه
۱۹۶۶-۱۹۶۲	توسعه صنایع پایه- ارائه مشوق‌های صادراتی
۱۹۶۷-۱۹۷۱	خودکفایی در تامین غذا- تاسیس صنایع فولاد، پتروشیمی و ماشین‌سازی
۱۹۷۲-۱۹۷۶	توسعه روستایی- ارائه مشوق‌های صادراتی
۱۹۷۷-۱۹۸۱	افزایش خودکفایی در سرمایه‌گذاری- توسعه اجتماعی و فناوری
۱۹۸۲-۱۹۸۶	تثبیت قیمت- افزایش بهره‌وری و رقابت از طریق اصلاحات نهادی
۱۹۸۷-۱۹۹۱	افزایش رفاه از طریق رشد متوازن
۱۹۹۲-۱۹۹۶	اصلاحات آموزشی- ترویج کسب و کارهای کوچک و متوسط- تسریع در جهانی شدن

منبع: Kim, 2011

برنامه اول به دنبال گسترش صنعت انرژی الکتریکی و زغال سنگ با تأکید بر اهمیت زیرساخت‌ها برای ایجاد پایه‌های محکم در بخش‌های صنعتی، ارتقای بهره‌وری بخش کشاورزی، توسعه صنایع کاربردی نظیر منسوجات، توسعه صادرات، جبران پرداخت‌های معوقه دولت و پیشرفت‌های فناورانه بود. برنامه دوم، حرکت به سمت توسعه صنایع سنگین بود که این کار نیازمند پذیرش فضای رقابتی در بازار جهانی بود که در تمام برنامه‌های آینده پنج‌ساله گنجانده شد. محور این استراتژی توسعه صنعتی بر اساس صنعت فولاد و پتروشیمی بنیان گذاشته شد که در این راستا ساخت بزرگراه‌ها و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل مورد توجه قرار گرفت. گشایش روابط میان ایالات متحده آمریکا و چین در سال ۱۹۷۲ منجر به شدیدتر شدن رقابت در بازارهای کالاها و خدمات کره جنوبی شد. از طرف دیگر عدم حمایت نظامی آمریکا از کره جنوبی پس از دیدار و مذاکره با چین سبب شد تا احتمال درگیری نظامی بین کره جنوبی و چین افزایش یابد. ژنرال پارک برنامه سوم را بعنوان برنامه صنایع سنگین و شیمیایی اجرا کرد. از ۱۹۷۰ به بعد در پی سیاست‌های ضد کمونیستی بود که پارک دستور داد تا برنامه توسعه تسلیحاتی در دستور کار قرار گیرد (هیونگ‌ایی، ۱۳۹۶: ۳۸) و در سال ۱۹۷۴، برنامه فوق سری مدرنیزاسیون نظامی با خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته به اوج خود رسید. برنامه پنجم توسعه با هدف‌گذاری در صنایع سنگین و شیمیایی به سمت صنایع با فناوری بالا مانند ماشین‌آلات دقیق، صنایع الکترونیک مانند تلویزیون، ضبط، ویدئو و نیمه هادی‌ها و فناوری اطلاعات در دستور کار قرار گرفت. برنامه ششم توسعه تا حد زیادی به

اهداف برنامه قبلی توسعه یعنی برنامه پنجم تأکید داشت. دولت قصد داشت با آزادسازی تجاری، واردات را تسریع کند و انواع مختلف محدودیت‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای را در واردات حذف کند. مقامات کره جنوبی متعهد شدند که کمک‌های مستقیم به صنایع خاص را بطور محسوسی کاهش دهند و بجای آن به گسترش آموزش و تحقیق و توسعه نیروی انسانی در همه صنایع بویژه شرکت‌های کوچک و متوسط که قبلاً توجه زیادی به آن نشده بود، پردازند. هدف برنامه پنج ساله هفتم توسعه فناوری‌های پیشرفته مانند میکروالکترونیک‌ها، مواد جدید، مواد شیمیایی آلی، مهندسی محیط زیست، اپتیک و هوافضا بود.

بررسی تجربه توسعه کره جنوبی نشان می‌دهد، پس از سال ۱۹۹۴ با ادغام هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی و وزارت دارایی این کشور هیئتی با نام هیئت مالی و اقتصادی^۱ تشکیل شد که مسئولیت سه سال آخر برنامه پنج ساله ششم اقتصادی کره جنوبی را تا سال ۱۹۹۶ برعهده گرفت که با تکامل اقتصاد ملی کره جنوبی، این هیئت ادغامی نیز پس از چهار سال منحل شد و از سال ۱۹۹۸ نظام هماهنگی برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور کره جنوبی ایجاد شده است. نظام هماهنگی برنامه‌ریزی اقتصادی کره شامل شوراهای مختلف نظیر شورای دولتی، شورای هماهنگی سیاست‌های ملی، شورای وزیران اقتصادی، شورای وزیران اقتصادی بین‌المللی و سایر شوراهای کم اهمیت‌تر است (مومنی، زاهدی، اکبری، ۱۳۹۹: ۴). همانطور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، روند برنامه‌ریزی از یک رویکرد بالا به پایین به رویکرد پایین به بالا تغییر کرده است و دولت، شروع به احترام گذاشتن به ابتکارات و خلاقیت بخش خصوصی برای اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌ها نموده است. بعبارت دیگر توسعه اقتصادی در کره جنوبی بدون بازسازی ساختارهای سیاسی اتفاق افتاد اما بعد از گذر زمان و بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی؛ به دلیل مواجه شدن با بحران مشروعیت، رهبران این کشور را مجبور به اعمال و انجام برخی اصلاحات سیاسی در ساختار دولت کرد. عجم اغلو و رایبسون، مستعمره بودن کره جنوبی را موجب ایجاد نهادهای اقتصادی فراگیر و بعد نهادهای سیاسی فراگیر در آنجا می‌دانند و معتقدند نهادهای سیاسی فراگیر هستند که امکان مشارکت در بازار سیاسی و اقتصادی را در کره جنوبی فراهم آورده‌اند. مقامات کره جنوبی، با تدوین هفت

1. Board of Finance and Economy

برنامه توسعه با تغییر در روابط میان دولت- ملت و کسب کارهای موجود، فساد و روابط شخصی را از بین بردند و با غیرشخصی کردن آن‌ها و ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر بجای نهادهای استثماری و از همه مهم‌تر برقراری یک دیپلماسی قوی با ابرقدرت‌های جهان توانستند مسیر کشور را به سمت و سوی توسعه و پیشرفت هدایت کنند.

تحولات و ترتیبات نهادی در ایران

توسعه اقتصادی در ایران در مقایسه با ژاپن و کره جنوبی دارای همزمانی‌های خاصی بوده است. ایران با ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم و در نیمه دوم قرن بیستم، توسعه با کشور کره جنوبی را تجربه کرده است. اما نتایج حاصله برای ایران و هر کدام از آن دو کشور در پایان دوره‌های تاریخی مورد بررسی بسیار متفاوت بوده‌اند. ایران از محدود کشورهایی است که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) دارای سنت تدوین برنامه‌نویسی توسعه بوده و این در حالی است که ژاپن و کره جنوبی اولین برنامه توسعه خود را به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۲ گردآوری و تدوین نمودند.

بدون شک، قرن نوزدهم را می‌توان شروع اصلاحات و توسعه در ایران دانست. پس از عباس میرزا (۱۷۹۹-۱۸۳۳) جدی‌ترین تفکر اصلاحات و توسعه به دوران ناصرالدین شاه و زمان صدرات امیرکبیر (۱۸۴۸-۱۸۵۱) برمی‌گردد. تلاش‌های امیرکبیر در مسیر دولت‌سازی نیز چندان با استقبال برخی نیروهای سنتی همراه نبود. امیرکبیر برای رهایی از مشکلات آن دوره و بهبود اوضاع اقتصادی، راه تقویت اقتصادی داخلی را پیش گرفت. از این رو تنظیم امور مالی، بهبود اوضاع کشاورزی، بازرگانی و کوتاه نمودن دست‌انجمنی‌ها را سرلوحه کاری خود قرارداد. امیرکبیر با تکیه و تشویق صنعتگران داخلی به ایجاد صنایع جدید و انتقال تکنولوژی به داخل و با جلوگیری از خروج طلا و پول از کشور سعی نمود تا به حمایت از تولیدات داخلی پردازد و تلاش کرد تا از ظرفیت‌های بومی ایجاد شده به توسعه برنامه‌های عمرانی پردازد. از عوامل دیگر تاثیرگذار بر شکل‌گیری اندیشه اصلاحی امیرکبیر را باید سفرهای وی به روسیه و عثمانی دانست. امیرکبیر در سفر روسیه از دارالفنون، کارخانجات فلزکاری، بالون‌سازی، اتاق تجارت و رصدخانه مسکو بازدید کرد (افشار، ۱۳۴۹: ۲۳۶-۲۴۸) و همین امر موجب گردید تا بعد

از بازگشت جرقه توسعه اقتصادی در ذهن وی زده شود و به تاسیس و راه‌اندازی نهادهای اقتصادی اقدام نماید. امیرکبیر با کاهش مستمری شاهزادگان، شاه و اطرافیان وی و از سوی دیگر وصول کامل مالیات درصدد آمدن تا از مبالغ هنگفت جمع شده به سرمایه‌گذاری در داخل کشور پردازد. به دستور امیرکبیر سازمان نوینی برای امور مالی و حفظ تمرکز خزانه و وصول مالیات ایجاد و حوزه‌های مالیاتی در سرتاسر کشور بوجود آمدند (افشارآرا، ۱۳۸۰: ۵۲۹). از مهمترین اقدامات و تحولات اقتصادی انجام شده در آن دوران می‌توان به تاسیس کارخانه‌های متعدد از جمله بلورسازی در قم، شال بافی در کرمان و شکرسازی، ساخت و تقویت تسلیحات نظامی در تبریز و اصفهان، کاشت نیشکر در خوزستان و مازندران برای جلوگیری از وابستگی به کشورهای همسایه، احداث سد و بند در شوشتر و هویزه و برقراری امنیت در راه‌های تجاری و کاروان‌سراها برای افزایش مراودات تجاری داخلی اشاره نمود.

در دوره صدرات امیرکبیر *رابرت استیفنسون*^۱، سرمایه‌گذار انگلیسی، طرح راه‌آهن سرتاسری شرق-غرب را پیشنهاد داد که از وین شروع و بعد از عبور از بغداد، خوزستان، فارس و بلوچستان به سند متصل می‌شد که به دلیل مخالفت *جاستین شیل* از سوی دولت بریتانیا به دلیل اینکه این موضوع عوایدی برای دولت انگلستان نخواهد داشت و از طرفی موجب ترقی و پیشرفت ایران می‌گردد، ملغی گردید (آدمیت، ۱۳۸۴: ۴۱۸). از آنجاییکه فضای حاکم در دربار، حضور نخبه‌ای همچون امیرکبیر را بر نمی‌تابید سرانجام به دستور ناصرالدین شاه به قتل رسید.

اوضاع و احوال اقتصادی کشور بعد از ترور امیرکبیر مجدد نابسامان شد و این فراز و نشیب تا زمان ترور ناصرالدین شاه ادامه پیدا کرد. اواخر نیمه دوم قرن نوزده، نویدبخش روزهایی بهتر در زمینه توسعه کشور بود. هرچند هنوز چیزی از پیروزی مشروطه‌خواهان نگذشته بود، جنگ جهانی اول شروع و تبعات آن علی‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران، به کشور وارد شد. هرج و مرج بوجود آمده موجب ایجاد ناآرامی در کشور شد و زمام اداره کشور بطور کامل از هم گسیخت و شرایط سقوط دولت‌ها را فراهم می‌آورد تا در نهایت رضاخان در اسفند ۱۲۹۹ با حمایت انگلیسی‌ها قدرت را با کودتای نظامی بدست

1. Robert Stephenson

گرفت. رضاشاه با حمایت اکثریت نیروهای اجتماعی توانست مخالفان خود را سرکوب و مناطق مختلف کشور را تحت کنترل دولت مرکزی درآورد (اتابکی، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۴). تشکیل کمیسیون اقتصادیات در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۳ را می‌توان اولین اقدام رسمی در راستای تفکر برنامه‌ریزی و توجه به توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور در این مقطع از تاریخ کشور دانست (موسوی، ۱۴۰۰: ۶۸). در سال‌های ابتدایی پهلوی اول، اقدامات سازنده‌ای از جمله احداث واحدها و کارگاه‌های سنتی کوچک، احداث کارخانه‌های قند و شکر، سیمان، مصالح ساختمانی، شیشه، کبریت، محصولات نخی و ابریشمی، نساجی و به انضمام کشف معدن انجام شد. سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را می‌توان از مهمترین دوره‌های تاریخ ایران برشمرد که با تشکیل نهادهای مهم در کشور منجر به ایجاد تحولات سازنده‌ای در بدنه دولت از بالا به پایین گردید. با شروع جنگ جهانی دوم، رضاشاه پس از اولتیماتوم بریتانیا مجبور به استعفا و حکومت را به ولیعهد خود واگذار کرد. بعد از جنگ جهانی دوم در دوره پهلوی دوم «سازمان برنامه بودجه» بنیانگذاری گردید. بعد از تأسیس سازمان برنامه بودجه ۵ برنامه با هدف توسعه و پیشرفت ایران برنامه‌ریزی گردید. دو برنامه اول به صورت ۷ و برنامه‌های بعدی ۵ ساله تدوین شدند.

جدول ۳- برنامه توسعه ایران قبل از انقلاب اسلامی

دوره توسعه	شرح برنامه
۱۳۳۴-۱۳۲۷	توسعه کشاورزی، صنایع و معادن، بالابردن سطح زندگی، آموزش و بهداشت مردم، توسعه راه‌ها و ارتباطات، بنادر و فرودگاه‌ها، پست و تلگراف اجتماعی، صادرات محصولات داخلی
۱۳۴۱-۱۳۳۴	افزایش تولید و بهبود تکثیر صادرات، ترقی کشاورزی، اکتشاف و بهره‌برداری از معادن، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی، اصلاح امور بهداشت عمومی، بالا بردن سطح فرهنگ و زندگی افراد
۱۳۴۶-۱۳۴۲	تمرکز بر روی صنعت ذوب‌آهن، کاغذ، الیاف مصنوعی، پتروشیمی
۱۳۵۱-۱۳۴۷	افزایش نرخ رشد اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، تامین شغل، گسترش خدمات اجتماعی- رفاهی، توسعه صادرات غیرنفتی، جایگزینی واردات، تقویت بنیه دفاعی کشور، بهبود خدمات اداری
۱۳۵۷-۱۳۵۲	تعیین رشد اقتصادی ۱۱.۲٪، برنامه‌ریزی جامع اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد تولید ملی، پی‌ریزی صنایع سنگین
۱۳۶۱-۱۳۵۷	مشارکت افراد جامعه در امور مملکتی، واگذاری اختیارات لازم به استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاها، گسترش امکان تشکیل اجتماعی و تقویت انجمن‌های دموکراتیک (تصویب نشد)

در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، ۶ برنامه توسعه، تدوین که به غیر از برنامه ششم به دلیل اعتراضات و اعتصابات مردمی، الباقی به اجرا درآمدند. برنامه‌های اول و دوم مجموعه‌ای از طرح‌ها بودند که به دلیل درگیری در جنگ جهانی دوم و تبعات ناشی از آن تا سال‌های بعد و همچنین درگیری دولت دکتر مصدق با انگلیسی‌ها در خصوص ملی کردن صنعت نفت و روی کار آمدن آمریکایی‌ها به نتیجه زیادی نرسید. در اجرای برنامه سوم، محمدرضا پهلوی ناگهان دستور انقلاب سفید و اجرای طرح اصلاحات ارضی را مطرح ساخت که این موضوع شوک بسیار بدی به کارشناسان و مدیران سازمان برنامه وارد ساخت چراکه تمهیدات و هزینه‌های لازم طرح در برنامه سوم گنجانده نشده بود و کشور را با یک بی‌نظمی و هرج و مرج شدید مواجه ساخت. دوران انقلاب سفید و وضع لوایح شش‌گانه توسط محمدرضا پهلوی، مقارن با به قدرت رسیدن ژنرال پارک در کره جنوبی بود.

بررسی و مشاهدات انجام شده از برنامه‌های سوم تا پنجم بویژه برنامه چهارم با وارد شدن درآمدهای نفتی، این‌طور نمایان می‌گردد که حجم قابل قبولی از زیرساخت‌های توسعه در زمینه‌های گوناگون اقتصادی در این سال‌ها اجرا، بسط و یا گسترش یافتند. اشتباه بزرگی که در برنامه‌ریزی‌های آن دوره اتفاق افتاد آن بود که داستان مشارکت و همزیستی سیاسی را رعایت نکردند یعنی ساختار سیاسی ایران به سمت استبداد و شخصی شدن حرکت کرد و آنها مجبور شدند برنامه را نه با مشارکت مردم بلکه با سرمایه‌گذاری فیزیکی و روش‌های فنی پیش ببرند. مردم، حاشیه‌نشین برنامه‌ریزی شدند و برنامه‌ریزی به بدنه و پیکر اجتماعی ایران پیوند نخورد. اصولاً کشورهای در حال توسعه یافته‌ای که به درآمدهای به غیر از مالیات مردم متکی باشند، در نهایت گرایش غیردموکراتیک پیدا می‌کنند و این اتفاقی بود که در ایران پیش از انقلاب افتاد و منجر گردید تا چندپارگی میان مردم و همچنین شکاف عظیم میان مردم و دولت ایجاد گردد.

بعد از خروج شاه و به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی، فصلی جدیدی در ایران شروع شد. شور و هیجان نیروهای انقلابی، فضای حاکم بر انقلاب و اندیشه پیروزمندانه بر رژیم شاهنشاهی، همه بر آن ادعا بودند تا بتوانند عدالت اجتماعی و اقتصادی را در کشور برپا سازند. به دلیل انقلاب حادث شده، کشور مجدد در یک بی‌ثباتی قرار گرفت به نوعی که بسیاری از کارخانه‌ها و شرکت‌های مشاوره‌ای که پیش از انقلاب فعالیت می‌کردند دست

از کار کشیدند و برخی از سرمایه‌داران آن‌ها از کشور متواری و برخی دیگر محاکمه شدند. به هر حال تا برقراری نظم و ثبات سیاسی اولیه نیاز به زمان بود تا این امر محقق شود (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۷). تا حدود یک دهه بعد از انقلاب هیچگونه برنامه توسعه‌ای تدوین نشد و بیشتر به مصادره اموال افرادی که با رژیم شاهنشاهی وابستگی داشتند و ملی کردن برخی از صنایع همچون نفت، گاز، راه آهن، برق، شیلات و فلزاتی از قبیل فولاد، مس و آلومینیوم پرداخته شد. در حالیکه مسئولان وقت تلاش می‌کردند فضای آرام و با ثبات سیاسی در کشور برقرار کنند، جنگ ناخواسته‌ای در سال ۱۳۵۹ بر ایران تحمیل شد و شکل نوینی به حیات اقتصادی ایران داد. بعد از پایان جنگ تحمیلی به دلیل جلوگیری از رکود و رخوت اقتصادی، تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه ایران در قالب ۵ برنامه کلید خورد.

جدول ۴- برنامه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی

دوره توسعه	شرح برنامه
۱۳۶۸-۱۳۷۲	پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بازسازی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده، بازسازی و نوسازی مراکز خسارت‌دیده در طول جنگ تحمیلی، ارتقای کیفی فرهنگ عمومی تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه، تأمین عدالت اجتماعی اسلامی، اصلاح سازمان‌ها و مدیریت اجرایی، ایجاد امنیت قضایی، آغاز خصوصی‌سازی
۱۳۷۴-۱۳۷۸	آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی و فرهنگ عمومی جامعه، رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی، حفظ و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور، ایجاد تعادل در بخش‌های اقتصادی
۱۳۷۹-۱۳۸۳	اصلاح ساختار کشور با رویکرد داخلی، نگاه اقتصادی اجتماعی به امور اقتصادی، اولویت عدالت اجتماعی، مشارکت مردم، اهمیت و فوریت امر اشتغال، امکان دسترسی همگان به فرصت‌ها و امکان عمومی و اقتصادی، ایجاد امنیت و اطمینان سرمایه‌گذاری، عملیات بانکی بدون ربا
۱۳۸۴-۱۳۸۸	اولین برنامه در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله؛ توسعه مبتنی بر دانایی، تعامل با اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری اقتصادی، امنیت ملی، ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی، توسعه مدیریت دولتی، توسعه قضایی
۱۳۹۰-۱۳۹۴	دومین برنامه در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله، مدیریت درآمدهای نفتی از طریق ایجاد صندوق توسعه ملی، ایجاد تنوع در منابع مالی اجرای طرح‌های توسعه، افزایش مشارکت بخش غیردولتی در اجرای طرح‌های عمرانی، انضباط مالی دولت و عدم امکان استقراض از بانک مرکزی

همانطور که ملاحظه می‌شود، تاکنون ۱۱ برنامه توسعه (پیش و پس از انقلاب) نوشته شده است و هم اکنون هم به دنبال دوازدهمین برنامه می‌باشیم اما هنوز هیچ اتفاق چشمگیری برای ایران حاصل نشده است و در یک دور باطل توسعه‌نیافتگی قرار گرفته‌ایم و تا چرخه فضیلت اصلی راه زیادی در پیش داریم. تمامی موانع اقتصادی که کشورهای در حال توسعه که با آن روبه‌رو هستند از نحوه اعمال قدرت سیاسی و به انحصار درآوردن آن توسط گروه اندک فرادستان ریشه می‌گیرد (عجم اغلو و رایبسون، ۱۳۹۲: ۵۲). به قول نورث، ما وابستگی به مسیر و وابستگی به تاریخ داریم و عجم اغلو و رایبسون نیز بر این موضوع پافشاری می‌کنند که تاریخ در سرنوشت ملت‌ها تاثیر شگفت‌انگیزی دارد (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۱). به دیگر سخن، از نظرگاه عجم اغلو و رایبسون می‌توان این‌طور گفت که ایران به دلیل شکل و نوع خاص نهادهای سیاسی بر مبنای نظام پاتریمونیالیستی، شکاف زیاد نابرابری و تفرق در جامعه ایرانی، عدم ائتلاف میان فرادستان و فرودستان، عدم حمایت و ایجاد انگیزه برای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی از سوی دولت و وابستگی فرادستان به درآمدهای نفتی قبل و بعد از انقلاب اسلامی از مسیر توسعه به معنای واقعی عقب مانده است.

تحلیل یافته‌ها

جهت درک بهتر در سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشورهای مورد مطالعه به بررسی چند شاخص در زمینه توسعه اقتصادی در دوره‌های زمانی مطرح شده پرداخته می‌شود. در ژاپن در اوایل قرن ۱۹، تنها در کیوتو ۱۷ کتابخانه عمومی تاسیس شده بود (مدنی، ۱۳۹۹: ۶۶) و در نیمه دوم قرن در زمان امپراتور میجی بین ۷۵۰۰ تا ۱۱،۰۰۰ مدرسه روستایی و بیش از ۱۰۰۰ مدرسه معمولی وجود داشت (مدنی، ۱۳۹۹: ۶۴). اما در ایران در اوایل قرن ۱۹، مردم در بی‌سوادی بسر می‌بردند و اولین مدرسه رسمی کشور به نام دارالفنون در زمان صدرات امیرکبیر در سال ۱۸۵۱ ساخته شد که متأسفانه ادامه این روند خیلی با استقبال روبرو نشد. از دیگر شاخص‌ها، بحث تولید فولاد است. از میانه دوره میجی تا اواخر آن، تولید فولاد ژاپن فقط ۲۰ درصد تقاضای داخلی آن را پوشش می‌داد و بقیه از طریق واردات تامین می‌شد (اونو، ۱۳۹۸: ۱۳۲). لذا همین امر موجب شد تا کارخانه فولاد یاواتا در سال ۱۹۰۱ تاسیس و در سال ۱۹۰۵ به بهره‌برداری بدون اشکال دست یابد. اما

صنعت فولادسازی در ایران به زمان صدارت امیرکبیر بازمی‌گردد و تکنولوژی آن هم از فرانسه به ایران وارد شد که متأسفانه با قتل امیرکبیر این پروسه متوقف گردید (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). بهره‌برداری راه‌آهن توکیو به یوکوهاما در سال ۱۸۷۲ از دیگر رخدادهای توسعه‌ای در زمان رهبری میجی است. ژاپن تا سال ۱۸۸۱، دارای حدود ۱۲۲ کیلومتر راه‌آهن قابل استفاده بود که البته این رقم در سال ۱۸۸۵ به ۵۶۳ و در سال ۱۸۹۵ به رقم حیرت‌انگیز ۳۳۴۶ کیلومتر افزایش یافت (ناردو، ۱۳۸۵: ۲۷). در دهه اول قرن بیستم بعضی از شهرهای ژاپن نیز دارای خطوط آهن برقی شهری شده بودند و قسمتی از مترو توکیو هم ساخته شده بود (مدنی، ۱۳۹۹: ۱۲۶) و بهره‌برداری نهایی آن در سال ۱۹۲۷ انجام گردید. اما نخستین خط آهن ایران در سال ۱۸۴۸ بین بندرانزلی و پیربازرشت ساخته شد که بعداً جمع‌آوری و خط آهن بعدی در سال ۱۸۸۶ توسط بلژیکی‌ها بین محمودآباد و آمل احداث گردید که آن پروژه هم با مشکلاتی روبرو و متوقف گردید و خط آهن بعدی در دوره ناصرالدین شاه بر اساس امتیازاتی که در قالب عهدنامه‌های مختلف همچون روترز و فالکن هاگن در سال ۱۸۷۲ و ۱۸۷۴ و غیره داده شد منجر گردید تا یک راه‌آهن ۸۷۰۰ متری میان تهران و حرم شاه عبدالعظیم حسنی (ع) بدست بلژیکی‌ها در سال ۱۸۸۸ کشیده و مورد استفاده قرار گیرد (موسوی، ۱۴۰۰: ۲۷) و از سوی دیگر اینکه بهره‌برداری اولین خط متروی ایران در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) در شهر تهران یعنی چیزی حدود ۷۰ سال بعد انجام گردید. ژاپن تا سال ۱۸۶۰ هیچگونه تجربه‌ای در کار ساخت کشتی‌های بزرگ اقیانوس‌پیما نداشت و در سال ۱۸۸۴، تنها ۱۷ کشتی جنگی داشت که اکثر آن‌ها چوبی بودند اما پس از دو دهه توسعه، ژاپن دارای ناوگانی مرکب از ۲۸ کشتی جنگی زره‌پوش به اضافه ۲۴ ناوچه اژدرافکن کوچک اما خطرناک بودند (ناردو، ۱۳۸۵: ۳۶) و این در شرایطی است که ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی با سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری به صورت جدی وارد این صنعت گردید اما به علت بی‌توجهی و عدم بهره‌برداری کار بجایی نبرد تا در نهایت در دوران دولت اصلاحات ساخت ۵ فروند کشتی به شرکت‌های چینی واگذار شد، هرچند قبل از آن هم از کشورهای کره جنوبی، ژاپن و لهستان خریدهایی انجام شده بود (مدنی، ۱۳۹۹: ۴۹).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و نیز خاتمه سلطه ژاپن بر کشور کره، هم کره و هم ژاپن وارد مرحله نوینی شدند. ژاپن وارد فاز دوم توسعه و گره با طرح و برنامه‌ریزی

برنامه‌های متعدد در دهه ۱۹۶۰ وارد مرحله توسعه‌یافتگی گردید به نحوی که بسیاری از کشورهای آسیایی از جمله ایران که مدتی از آن‌ها عقب بود جلو افتاد. تقاضای داخلی فولاد در سال ۱۹۶۱ حداکثر ۱۱۶ هزار تن متریک بود که آن هم از کره شمالی تامین می‌شد. توسعه فولاد داخلی در دستور کار دومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی قرار گرفت و بعد از کلی ضرر در سال ۱۹۸۵ به ۳.۴ میلیون دلار سود خالص در سال ۱۹۸۶ و ۱۵ میلیون دلار سود خالص در سال ۱۹۸۷ رسید (چون، ۱۴۰۱: ۲۱۴). البته همانطور که اشاره شد، در زمان امیرکبیر هم اقداماتی در این زمینه انجام شد اما بی‌نتیجه ماند. ممارست و تلاش‌های افرادی همچون حاج محمدحسن امین‌الضرب در سال ۱۲۶۶ (۱۸۸۷)، مسیوهارتمان در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) و مسیوهارتن در سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹) جهت احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان هم نیز نتیجه نداد و بعد از آن‌ها رضاشاه در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) سنگ بنای یک واحد تولید آهن و فولاد را نیز در امین‌آباد شهری قرار داد که بعلت کمبود آب در آن محل متوقف ماند. در آبان ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) قراردادی بین دولت ایران و آلمان برای احداث یک واحد فولادسازی در کرج به امضا رسید که با آغاز جنگ جهانی دوم و خروج رضاشاه باعث شد تا برخی از ماشین‌آلات در راه انتقال از آلمان به ایران به حبشه برده شود و پس از اتمام جنگ، بخشی مفقود گردید و الباقی نابود شده به ایران رسیدند (موسوی، ۱۴۰۰: ۳۱۲). عاقبت در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷)، مجدد توسط محمدرضاه پهلوی آغاز و در سال ۱۳۵۰ نخستین کارخانه ذوب‌آهن ایران نصب گردید و رسماً از سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) تولید خود را شروع کرد.

رئیس جمهور پارک، پس از ملاقات با صدراعظم آلمان غربی متوجه شد که وجود بزرگراه در سطح کشور برای رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو اقدام به احداث بزرگراهی به طول ۴۲۸ کیلومتر میان سئول- بوسان نمود که پروژه در سال ۱۹۷۰ به بهره‌برداری رسید (چون، ۱۴۰۱: ۱۲۳). در دوره پهلوی دوم احداث خیابان‌ها، میدین و بزرگراه‌ها کلید خورد اما مصادف با سال ۱۳۵۷ و آغاز انقلاب اسلامی پروژه‌های احداث آن‌ها متوقف و فقط بزرگراه شاهنشاهی (مدرس) بود که در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) به طول ۹ کیلومتر به بهره‌برداری رسید. از سوی دیگر هم، صنعت خودروسازی کشور کره جنوبی همزمان با شکل‌گیری صنعت خودروسازی در ایران شروع به فعالیت کرد که بر اساس آمار انجمن جهانی خودروسازان در سال ۲۰۱۴

میلادی، کره جنوبی با تولید ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو در رتبه ۵ قرار گرفت اما ایران با تولید حدود یک میلیون و نود هزار دستگاه خودرو، رتبه ۱۸ را به خود اختصاص داده بود (متین و میرجلیلی، ۱۳۹۴: ۲۱). صنعت خوروسازی در ایران به معنای واقعی در زمان پهلوی دوم شروع بکار کرد که به دلیل وجود مشکلات ساختاری و نهادی نتوانست مسیر درست تولید را طی نماید. از دیگر شاخص‌های توسعه که می‌توان به آن اشاره کرد، صنعت تسلیحاتی است. کره جنوبی از دهه ۱۹۷۰ به بعد برنامه توسعه تسلیحاتی و موشکی خود را آغاز کرد و این در حالی است که پیشینه تمایل ایران برای ساخت و توسعه موشک به جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) برمی‌گردد. تلاش‌های ایران برای رفع مشکلات موجود در خرید و تعمیرات تجهیزات نظامی باعث شد تا ایران حداکثر تلاش خود را برای تجهیز موشکی و بدست آوردن فناوری ساخت آن و بومی‌سازی موشک در دهه ۱۹۹۰ میلادی به اوج برساند (Taylor, 2009: 6) و در یکی دو دهه اخیر است که برنامه تولید و توسعه موشکی ایران به اوج خود رسیده و قابل بهره‌برداری در سطحی بسیار وسیع می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از پژوهش انجام شده این طور می‌توان نتیجه گرفت، ایران در دوره‌هایی از تاریخ نه تنها عقب نبوده بلکه جلو هم بوده است اما پس از گذشت ۱۵۰ سال از شروع توسعه در ایران، برخلاف ژاپن و کره جنوبی هنوز حاکمیت طبیعی با دسترسی محدود در کشور برقرار است. ایران در بسیاری از شرایط تاریخی حاکمیت طبیعی با نظم شکننده را تجربه کرده است و در دوره‌های محدودی توانست به نظم پایه و بالغ برسد و ائتلاف غالب توان حفاظت از نهادهای خود را نداشت. در دوره قاجار و با اهتمام نخبگان توسعه‌خواهی همچون عباس میرزا و امیرکبیر کشور در مسیر خوبی از توسعه‌یافتگی قرار گرفت که متأسفانه به دلیل عدم آگاهی و تصمیمات غلط پادشاهان، ترمز توسعه ایران کشیده شد. در دوره پهلوی اول ایران موفق می‌شود در یک بازه زمانی محدود از وضعیت حاکمیت طبیعی با نظم شکننده به نظم پایه برسد اما دوباره با اعمال سیاست‌های اشتباه بعد از دهه ۱۳۱۰ به نظم شکننده و نهایتاً به آشوب و هرج و مرج سال ۱۳۲۰ می‌رسد. در دوره پهلوی دوم، ایران برای اولین بار در دهه ۱۳۴۰ به وضعیت

حاکمیت طبیعی با نظم بالغ رسید اما بازهم با سیاست‌های اشتباه فرادستان حاکم و در راس آنها محمدرضا شاه در دهه ۱۳۵۰ به وضعیت نظم پایه، نظم شکننده و نهایتاً آشوب و هرج و مرج برمی‌گردد. ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ هم مرتب در حال نوسان بین وضعیت طبیعی با نظم شکننده و پایه بوده و در اوایل دهه هشتاد گذری هم به نظم بالغ کرد اما دوام نیاورد. بنا بر نظر عجم‌اغلو و رابینسون، برای اینکه در جامعه نظم جاری گردد و آن جامعه از دخالت و ناامنی رها شود بهتر است قدرت در اختیار یک لویاتان مقید باشد تا قدرت را بدست بگیرد و آن وضع را مدیریت و از وقوع جنگ احتمالی جلوگیری کند. در کشورهای ژاپن و کره جنوبی در ابتدای مسیر، دولت به صورت مستبد و مقتدرانه ظهور کرد و گروهی بعد از یک سری اتفاقات حکومت را بدست گرفتند و در آن موقع دولت بسیار قوی‌تر از جامعه بود اما رفته‌رفته بعد از قوی شدن جامعه در کنار حکومت، لویاتان صفت مقید به خود گرفت و موجب پیشرفت و توسعه آن کشورها گردید. مهمترین پیشنهاد برای برون‌رفت از آن وضعیت را می‌توان اصلاح نهادهای سیاسی و ایجاد نهادهای اقتصادی کثرت‌گرا، انحصارزدایی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون به گونه‌ای که امکان تقویت جامعه مدنی فراهم و انباشت قدرت توسط فرادستان را محدود کند تا سطح نابرابری در جامعه ایران بین فرادست و فرودست آن کاهش یابد. اقدام دیگری که می‌توان انجام داد این است که با تعیین نظام انگیزشی مناسب فعالیت‌های اقتصادی را جهت دهند و از دولتی شدن صنایع اجتناب و راه را برای خصوصی‌سازی صحیح همچون ژاپن و کره جنوبی (زای‌باتسوها و چائول‌ها) و حمایت از آنها فراهم سازند. روابط شخصی به سازمانی تبدیل شوند تا با ایجاد سازمان‌هایی با عمر دائمی رانتهای مولد ایجاد کنند. راه برای مشارکت واقعی مردم هموار، رویکرد و نگرش دیپلماسی و تعامل با کشورهای جهان در تمامی حوزه‌ها فعال و برقرار گردد. از دیگر دلایلی که ژاپن و کره جنوبی توانستند خیلی سریع مسیر توسعه را پیش بگیرند، همکاری و اخذ کمک‌های همه‌جانبه از جوامع غربی بویژه آمریکا بود. اگر در چنین شرایطی حاکمیت قانون برای ذینفعان اجرا و نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر و کارآمد و بستر بین‌المللی مناسب ایجاد گردد، می‌توان امیدوار بود که ایران از سرگردانی در مسیر توسعه نجات و به چرخه فضیلت دست یابد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ehsan Eelshahi



<https://www.orcid.org/0000-0002-3023-644X>

Seyed Ataollah Sinaee



<https://www.orcid.org/0000-0002-6999-3042>

Seyed Khodayar



<https://www.orcid.org/0000-0002-0514-441>

Mortazavi

منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۸۴)، *امیرکبیر و تهران*، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: خوارزمی.
- اونو، کنیچی، (۱۳۹۸)، *تاریخ توسعه اقتصادی ژاپن*، ناهید پوررستمی، جلد اول، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۸۳)، «ازمجمع الصنایع تا صنایع مستظرفه»، *نشریه نقد و بررسی کتاب فرزانه*، بخش اول، شماره ۷.
- افشار آرا، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *خراسان و حکمرانان*، جلد اول، چاپ اول، مشهد: محقق.
- اتابکی، تورج، (۱۳۸۵)، *تجدد آمرانه دولت و جامعه در عصر رضاشاه*، مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- چون، سئونگ هون، (۱۴۰۱)، *دولت، جامعه و توسعه اقتصادی در کره جنوبی*، سیدعطاءالله سینائی، جلد اول، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگانی.
- حاجی نصری، سعید؛ جباری، محمدحسن، (۱۳۹۹)، «مطالعه مقایسه‌ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن (دوره میجی)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*، سال سوم، تابستان، شماره ۲.
- حقیقی، ایمان، (۱۳۸۴)، «توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن»، *انتشارات راهبرد یاس*، زمستان، شماره ۴.
- حکمی، نسرین، (۱۳۷۰)، «نقش روشنفکران در نوسازی ژاپن»، *مجله فرهنگ*، شماره ۹.
- دلفروز، محمدتقی، (۱۳۹۳)، «بررسی فرایند توسعه اقتصادی کره جنوبی در چارچوب الگوی دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، زمستان، دوره ۴۵، شماره ۴.

- عجم‌اغلو، دارون؛ رایبسون، جیمز، (۱۳۹۹)، *راه باریک آزادی*، سیدعلیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان، جلد اول، چاپ اول، تهران: روزنه.
- عجم‌اغلو، دارون؛ رایبسون، جیمز، (۱۳۹۲)، *چرا ملت‌ها شکست میخورند؟*، محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، جلد اول، چاپ اول، تهران: روزنه.
- عطار، سعید، (۱۳۸۸)، «ژاپن و امر توسعه: نگاهی به جایگاه نظام برنامه‌ریزی و قانون برنامه توسعه در فرایند توسعه ژاپن»، *فصلنامه سیاست*، زمستان، دوره ۴۲، شماره ۴.
- عباسی، مهدی، (۱۳۸۵)، *دولت توسعه‌خواه در ژاپن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری، (۱۳۹۹)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، امیرمحمد حاجی یوسفی، جلد اول، چاپ دهم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مسعودی، صاحبه، (۱۳۹۴)، «سیاست‌گذاری برای توسعه بر صنعت و فناوری: درس‌هایی از مقایسه ایران و کره جنوبی»، *معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی*، شماره ۱۴۶۶۰.
- مومنی، مرضیه؛ زاهدی، سینا؛ اکبری، نگار، (۱۳۹۹)، «بررسی تجربه کره جنوبی در تشکیل هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی (EPB): درس‌هایی برای ایران»، *معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی*، خرداد، شماره ۱۷۰۷۷.
- موسوی، سعید، (۱۴۰۰)، *داستان توسعه در ایران*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: گروه مهندسی خرد.
- مطیع، ناهید، (۱۳۷۹)، *مقایسه نقش نخبگان در فرایند نوسازی ایران و ژاپن ۱۹۲۰-۱۸۴۰*، جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- متین، مهدخت؛ میرجلیلی، فاطمه، (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت و نقش بخش‌های تجارت، انرژی، صنعت و آب در اقتصاد کشور کره جنوبی»، *معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی*، شماره ۱۴۲۹۲.
- ناردو، دان، (۱۳۸۵)، *ژاپن امروز*، مهدی حقیقت‌خواه، جلد اول، چاپ ششم، تهران: ققنوس.
- نورث، داگلاس سی، (۱۳۹۵)، *خشونت و نظم‌های اجتماعی*، جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، جلد اول، چاپ دوم، تهران: روزنه.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۹۳)، «بررسی فرایند توسعه اقتصادی کره جنوبی در چارچوب الگوی دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، زمستان، دوره ۴۵، شماره ۴.

- هرسیج، حسین، (۱۳۸۰)، «روش مقایسه‌ای: چیستی، چرایی و چگونگی بکارگیری آن در علوم سیاسی»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، بهار و تابستان، شماره ۱.
- هیونگ ای، کیم، (۱۳۹۶)، کره جنوبی: ژنرال توسعه، جواد قربانی آتانی، جلد اول، چاپ اول، تهران: دنیای اقتصاد.

References

- Abbasi, Mehdi, (2006), Developmental Government in Japan, Master's Thesis, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. [In Persian]
- Acemoglu, Daron; Robinson, James, (2012), *Why do nations fail?* Mohsen Mirdamadi and Mohammad Hossein Naimipour, The 1st Vol., 1st ed., Tehran: Rosaneh. [In Persian]
- Acemoglu, Daron; Robinson, James, (2019), *The narrow way of freedom*, Seyed Alireza Beheshti Shirazi and Jafar Kheirkahan, 1st Vol. 1st ed., Tehran: Rosaneh. [In Persian]
- Adamiyat, Fereydoun, (2004), *Amirkabir and Tehran*, 1st Vol., 12th ed., Tehran: Kharazmi. [In Persian]
- Afshar, Iraj, (2004), "From the Construction Industry to the most Ambitious Industries", *Farzan Book Review and Review*, Part 1, No. 7. [In Persian]
- Afsharara, Mohammad Reza, (2010), *Khorasan and Rulers*, The 1st Vol., 1st ed., Mashhad: Mohagheh. [In Persian]
- Atabaki, Toraj, (2016), *The Authoritarian Modernization of the State and Society in the Era of Reza Shah*, Mehdi Haqiqatkah, Tehran: Qaqnos. [In Persian]
- Attar, Saeed, (2008), "Japan and Development Matters: A Look at the Position of the Planning System and Development Plan Law in Japan's Development Process", *Philosophy of Politics, Faculty Magazine*, Winter, Vol. 42, No. 4. [In Persian]

- Chibber, Vivek, (2005), "Reviving the Developmental States? The Myth of National", *Bourgeoisie Socialist Register*.
- Chon, Sung-hun, (2022), *Government, Society, and Economic Development in South Korea*, Seyed Ataollah Sinaee, 1st Vol., 1st ed., Tehran: Bazargani Press. [In Persian]
- Delfrooz, Mohammad Taghi, (2014), "Examination of South Korea's Economic Development Process in the Framework of the Non-democratic Developmental State Model", *Policy Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Winter, Vol. 45, No. 4. [In Persian]
- Doner, Richard, Bryan, Ritchie, & Dan, Slater, (2005), *Systemic Vulnerability and the Origins of Developmental States: Northeast and Southeast Asia in Comparative Perspective*, International Organization, Cambridge University Press, (2005).
- Eckstein, Harry, (1963a). *A Perspective on Comparative Politics, Past and Present*, in H. Eckstein and D.E. Apter (eds), *Comparative Politics: A Reader*, London: Free Press of Glencoe.
- Haghighi, Iman, (2004), "Economic Development of Japan and Its Key Factors", *Yas Rahbord Publications*, Winter, No. 4. [In Persian]
- Haji Naseri, Saeed & Jabari, Mohammad Hassan, (2019), "Comparative Study of Political Order, Bureaucracy and Development of Iran (Qajar and Pahlavi Period) with Japan (Meiji Period)", *Iranian Sociology Quarterly*, 3rd year, Summer, Issue 2. [In Persian]
- Hakami, Nasreen, (2010), "The Role of Intellectuals in the Modernization of Japan", *Farhang Magazine*, No. 9. [In Persian]
- Harsij, Hossein, (2008), "Comparative Method: What, Why and How to Apply it in Political Science", *Journal of the Faculty of Administrative Sciences and Economics*, Isfahan University, Spring and Summer, No. 1. [In Persian]

- Heo, Yoon, (2001), "Development Strategy in Korea Reexamined: An Interventionist Perspective", *The Social Science Journal*, Vol. 38, Issue 2.
- Hyung A, Kim, (2016), *South Korea: General Development*, Javad Ghorbani Atani, the 1st Vol., 1st ed., Tehran: Dunyaye Egtesad. [In Persian]
- Kim, Sunjin & Jeong, DaeHee, (2017), "Korea Policy Coordination: Past and Present, Korea's Policy Coordination: Past and Present (English)", Washington, D.C., World Bank Group.
- Kim, Sunjin, (2011), "The Korean Model of Development Planning and Its Applicability to African Developing Countries: Case Study on Ethiopia", KDI School of Public Policy and Management, <https://archives.kdischool.ac.kr/handle/11125/30338>.
- Kitching, Gavin, (2014), *Development and Underdevelopment in Historical Perspective: Populism, Nationalizing and Industrialization*, London: Routledge.
- Kohli, Atul, (2005), *State-Directed Development: Political Power and Industrialization in the Global Periphery*, Cambridge University Press.
- Lockwood, William, (1970), *The Economic Development of Japan: Growth and Structural Change*, New Jersey: Princeton University Press.
- Marsh, David; Stocker, Jerry, (2019), *Method and Theory in Political Science*, Amir Mohammad Haji Yousefi, Vol. 1, 10th Edition, Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Masoudi, Sahebeh, (2014), "Politicizing for the Development of Industry and Technology: Lessons from the Comparison of Iran and South Korea", *Deputy of Economic Research of the Islamic Council*, No. 14660. [In Persian]
- Mateen, Mahdokht; Mirjalili, Fatemeh, (2014), "Investigation of the Status and Role of Trade, Energy, Industry and Water Sectors in the Economy of South Korea", *Deputy of Economic Research of the Islamic Council*, No. 14292. [In Persian]

- Momeni, Marzieh; Zahedi, Sina; Akbari, Negar, (2019), "Examination of South Korea's Experience in the Formation of the Economic Planning Board (EPB): Lessons for Iran", Deputy of Economic Research of the Islamic Council, Khordad, No. 17077. [In Persian]
- Motie, Nahid, (2000), *Comparing the Role of Elites in the Modernization Process of Iran and Japan 1840-1920*, 1st Vol., 1st Edition, Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Mousavi, Saeed, (2021), *The Story of Development in Iran*, The First Volume, Fourth Edition, Tehran: Small Engineering Department. [In Persian]
- Naqibzadeh, Ahmad, (2014), "Examination of South Korea's Economic Development Process in the Framework of the Non-democratic Developmental State Model", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Winter, Vol. 45, No. 4. [In Persian]
- Nardo, Don, (2016), *Japan Today*, Mehdi Haqiqatkah, The 1st Vol., 6th ed., Tehran: Qoqnos. [In Persian]
- North, Douglas C., (2015), *Violence and Social Orders*, Jafar Khairkhahan and Reza Majidzadeh, The First Volume, Second Edition, Tehran: Rosaneh. [In Persian]
- Ohno, Kenichi, (2005), *The Economic Development of Japan (The Path Traveled by Japan as a Developing Country)*, Tokyo: Yuhikaku Publishing.
- Ohno, Kenichi, (2018), *History of Japan's Economic Development*, Nahid Pourrostami, The 1st Vol., 1st ed., Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Taylor, Claire(2009), "Iran: Conventional Military Capabilities", International Affairs and Defense section, Retrieved JUN26, 2017, Available at file:///C:/Users/javid/Downloads/SN04264%20(2).pdf.
- White, Gordon, (1998), *Constructing a Democratic Developmental State*, in Mark Robinson and Gordon White. (ed), *The Democratic*

Developmental State: Politics and Institutional Design, New York: Oxford University Press Inc. 1st ed.

- Yoshioka, Shinji, & Kawasaki, Hirofumi, (2016), "Japan's High-Growth Postwar Period: The Role of Economic Plans", *ESRI Research Note*, No. 27.